خبر

نجات شرکت پست از ورشکستگی در دولت

شرکت پست به فروش املاک افتاده بود

● **ایرنا:** مدیرعامل شرکت پست جمهوری اسلامی از دولت یازدهم به‌عنوان ناجی این شرکت از ورشکستگی حتمی یاد کرد و گفت: بدون شک اگر در سال ۹۲ دولت تدبیر و امید روی کار نمی‌آمد، شرکت پست ورشکسته می‌شد.حسین مهری، سه‌شنبه در مراسم افتتاح سامانه یکپارچه مدیریت املاک (سیمامک) مازندران در محل اداره کل پست در ساری افزود: شرکت پست تا قبل از روی‌کارآمدن دولت یازدهم با فروش املاک اداره می‌شد.وی وضعیت پست تا قبل از سال ۹۲ را اسفناک توصیف کرد و گفت: شرکت پست، نه‌تنها ملزومات اولیه را برای انجام مأموریت نداشت، بلکه به‌لحاظ حقوقی در شرایط ماندن یا منحل‌شدن بلاتکلیف مانده بود. مدیرعامل شرکت پست افزود: این شرکت در سال ۹۲ با ۴۴ میلیارد تومان بدهی به کارکنان، تحویل دولت تدبیر و امید داده شد، اما امروز مطالبات ۱۲ساله بازنشستگان پست در دولت یازدهم پرداخت شده است.وی افزود: شک نکنید اگر دولت تدبیر و امید وارد عرصه نمی‌شد هفت ماه بعد پست ورشکست می‌شد.مدیر عامل شرکت ملی پست همچنین گفت در برنامه ششم توسعه باید حدود ۲۱ هزار میلیارد ریال برای زیرساخت‌ها و ارائه خدمات مطلوب به شهروندان در پست کشور سرمایه‌گذاری شود.

ادامه از صفحه ۴

دولت برجام: میراث انقلابیون خردگرا

- با توجه به این شدت بحران، انتظار ترمیم بحران سال ۹۲ به‌عنوان بزرگ‌ترین بحران حیات سیاسی ج.ا. ایران در چهار سال دور از انتظار است. - با وجود زمان کم، دولت در شاخص‌های کلیدی نظیر رشد اقتصادی، کاهش تورم و جلوگیری از رشد بی‌کاری موفق عمل کرده است. - ضعف اصلی دولت در عدم اجتماعی‌کردن و توضیح وضعیت بحران به بهانه حفظ آرامش سیاسی و اجتماعی بوده که سبب شد زوایای عوام‌گرایی نامکشوف بماند و مجددا به شیوه‌های نوین امکان ظهور یابد. ۳. نکته کلیدی سوم: فرصت‌های بین‌المللی کنونی ایران تکرارناپذیرند: ضرورت تداوم تعقل و کار

• موارد توضیحی و آماری نکته کلیدی سوم: - تحولات اقتصادی جهان نشان می‌دهد که بسیاری از فرصت‌های خارجی ج.ا. ایران که ناشی از نقاط قوت این کشور هستند، در صورت استفاده‌نکردن برای همیشه یا مدت‌های طولانی از بین خواهند رفت. مواردی نظیر کاهش سهم سوخت‌های فسیلی از تقاضای اولیه جهان و رشد کم اقتصاد جهانی، اقتصاد کشورهای نفتی را در آینده آسیب‌پذیر خواهد کرد. در این شرایط اگر هم‌اکنون از درآمدهای نفتی به‌عنوان «درایور اقتصادی» برای «متنوع‌سازی اقتصادی» اقدام نشود، فرصت درآمدهای نفتی تکرار نخواهد شد. به‌همین‌دلیل است که عربستان نیز سال گذشته برنامه سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ خود را منتشر کرده که بر پایه استفاده از درآمدهای نفتی به‌عنوان درایور متنوع‌سازی اقتصاد است و نه استفاده از نفت به‌عنوان منبع هزینه‌های جاری. ازاین‌رو، زمان کنونی، زمان بازگشت به سیاست‌های عوام‌گرایانه برای استفاده هزینه‌ای از درآمد نفتی برای تحقق شعارهای بی‌پشتوانه در انتخابات نیست. - جبهه عربستان و رژیم اشغالگر قدس از تقویت رویکردهای تهاجمی در ایران استقبال خواهند کرد تا به جهانیان بگویند که «گزینه تعامل و گفت‌وگو با ایران از پیش شکست‌خورده بوده و انزوای ایران لازم است». ازبین‌رفتن فرصت کنونی رویکرد عقلانی، فرصت مجددی برای شکوفایی داخلی و افزایش ارتباطات بین‌المللی را ایجاد نخواهد کرد. - فرصت‌های اقتصادی ایران در بازار منطقه‌ای در بخش‌های صنعتی، تجاری، ترانزیتی، توریستی و سیاسی با برنامه‌ریزی‌های منسجم رقبای منطقه‌ای در حال کم‌شدن است. بازگشت رویکردهای احساسی، این فرصت‌ها را برای همیشه از ایران خواهد گرفت. مثلا در صورت شکوفایی بندر گوادر پاکستان به‌عنوان پل ارتباطی جنوب و خلیج‌فارس به آسیای‌مرکزی، بندر چابهار ایران در آینده نیز فرصت رقابت بزرگی نخواهد داشت، همان‌گونه که هم‌اکنون بندرعباس و قشم ما در مقایسه با جبل‌علی و فجیره امارات، قابل رقابت نیستند. ۴. نکته کلیدی چهارم: ضرورت انسجام نگرشی و عملی تحول‌خواهان خردگرا

• موارد توضیحی و آماری نکته کلیدی چهارم: - اکنون زمانی است که موضوع تهدید بازگشت بحران فقط منتسب به دولت نیست، بلکه بر همه دغدغه‌مندان اصلاح و آبادانی کشور اثر می‌گذارد. - بخش خصوصی رقابتی و تحول‌گرا و غیرانحصاری، دانشگاهیان، نخبگان سیاسی عقلانی و فراجناحی از همه گروه‌ها، رسانه‌های اجتماعی نوین فرصت منحصربه‌فردی برای ایجاد انسجام ملی برای «تداوم عقلانیت» فراهم آورده است. - انسجام نخبگان سیاسی، اجتماعی و اقتصادی - دولتی و خصوصی- الزاما می‌بایست با عامه مردم ارتباط تنگاتنگ داشته باشد تا با «آگاهی‌بخشی اجتماعی» از امکان بسیج سیاسی و احساسی مردم علیه رویکرد عقلانیت بکاهد. در یک کلام: تحقق اقتصاد مقاومتی و تأکید بر ایجاد اشتغال و تولید در کشور ادامه جدی و انقلابی همراه با مدیریت جهادی دولت را می‌طلبد.

اقتصاد ایران به چه دولتی نیاز دارد؟

مسعود نیلی

حدود ۱۰ سالی می‌شود که اعتقاد دارم نیمه دوم دهه ۱۳۹۰ برای کشور ما سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده خواهد بود. کمی درباره چرایی این ادعا توضیح می‌دهم. سرنوشت‌سازبودن نیمه دوم دهه ۱۳۹۰ در آن است که دو رودخانه خروشان در این زمان به هم می‌رسند.

رودخانه اول، به نحوه مدیریت بلندمدت دارایی‌های کشور مربوط می‌شود. قابلیت اداره یک کشور را می‌توان با نحوه مدیریت دارایی‌های طبیعی، انسانی، مدیریتی و سیاسی آن ارزیابی کرد. کشور ما از نظر منابع و دارایی‌های تجدیدناپذیر یا کمترتجدیدپذیر نظیر آب، هوا، خاک، نفت و گاز به‌گونه‌ای اداره نشده که بتواند برای مردمش رفاه پایدار ایجاد کند. ما این منابع را به جای آنکه «حفظ» کنیم یا آنکه آنها را تبدیل به «ثروت تولیدی» کنیم، «مصرف» کرده‌ایم. طبیعی است وقتی باارزش‌ترین منابع یک کشور برای چند دهه این‌گونه اداره شود، روزی خواهد رسید که آنها به اتمام برسند و آن‌گاه است که همه متوجه می‌شوند یک کشور بزرگ که ظرفیت‌های عظیمی برای رشد و پیشرفت داشته، دیگر از آنها برخوردار نیست؛ اما رودخانه دوم، خیل عظیم جوانان و به‌ویژه زنان جویای کار است که از سالیان قبل کاملا مشخص بود مقیاس میلیونی خواهند داشت و باز هم اینکه کشور ما یک زمان طلایی را در نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ از دست داده و عواقب آن در سال‌هایی که در آن هستیم، هم به صورت آسیب‌های اجتماعی هم مشکل افزایش درخورتوجه تعداد بی‌کاران بروز کرده و خواهد کرد.

اینک این دو رودخانه در مبدأ اتصال به یکدیگر قرار گرفته‌اند. به‌هم‌رسیدن این دو رودخانه، اتفاق سهمگینی است که باید بتواند به نحوی مدیریت شود. در غیراین‌صورت عواقب آن می‌تواند کشور را تا چند ده سال گرفتار انواع مشکلات اجتماعی و سیاسی کند.

چهار عامل در چنین شرایطی می‌تواند به کمک بیاید و از عمیق‌ترشدن مشکلات جلوگیری کند.

اول و قبل از هر چیز حفظ ثبات و آرامش در اقتصاد و سیاست است. چنانچه تغییر در مسیر تورم اتفاق بیفتد، مسیر تغییر، بازگشت به تورم ۲۰ درصد نخواهد بود و برگشت تورم با شیبی بسیار تند خواهد بود. ثبات موجود در اقتصاد کلان کشور که در سه سال گذشته مانند هوایی پاک، فضای عمومی کشور را سالم کرده و از این طریق به ایجاد شغل و درآمد کمک کرده، پدیده‌ای بسیار شکننده است و می‌تواند با یک سخن نسنجیده یا یک اشتباه سیاست‌گذاری، حتی در چند ساعت، به همان شرایط سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ و حتی بدتر از آن برگردد. کشور ما نیازمند دولتی است که در ثبات‌بخشی به اقتصاد کلان باورپذیر باشد.

دوم، لازم است درباره «چرایی» بروز مشکلاتی که امروز زندگی مردم با آن دست به گریبان است، به دور از ملاحظات گرایش‌های سیاسی گفت‌وگو شود. متأسفانه فرصت طلایی مناظره‌های تلویزیونی با طراحی غلط نحوه برگزاری این مناظره‌ها و تشکیل‌نشدن مناظره‌های کارشناسی نمایندگان مرتبط با هریک از نامزدها از دست رفت و آنچه شاهد بودیم فقط تشدید فضای تنش بود و در پایان این مناظره‌ها بالاخره مشخص نشد که چرا امروز کشور با مشکلاتی بزرگ مانند آب، هوا، صندوق‌های بازنشستگی، بی‌کاری، نظام بانکی و بودجه مواجه شده است. بزرگ‌ترین خطر، تشخیص نادرست و بزرگ‌ترین اشتباه در چنین شرایطی دامن‌زدن به مطالباتی است که برآورده‌کردن آن مقدور نیست. این کار کاملا در مسیر به‌جلوکشیدن مشکل و در نتیجه هدردادن زمانی است که می‌توانسته صرف حل مسئله شود. دولت دوازدهم باید دولتی باشد که بتواند همکاریِ همه سرمایه انسانی متخصص و باصلاحیت کشور و متخصصین ایرانی خارج از کشور را جلب کند. هرکسی نمی‌تواند در این کار موفق باشد. صرف رئیس‌جمهوربودن باعث موفقیت در جلب این همکاری نمی‌شود.

سوم، وجود یک سرمایه اجتماعی بالا به معنی انسجام بالای اجتماعی برای گذر از این شرایط است. این روزها وعده‌هایی به مردم داده می‌شود که گویی مبدأ تاریخ تحولات کشور سال ۱۳۹۶ و پایان تاریخ توسعه کشور پایان کار دولت دوازدهم خواهد بود و قرار نیست هیچ مشکلی برای دولت سیزدهم باقی بماند؛ اما به‌عنوان یک کارشناس آشنا با مسائل اقتصاد ایران عرض می‌کنم که این‌چنین نیست. نامزدهایی که چنین ایده‌هایی را برای دامن‌زدن به مطالبات مردم محروم ترویج می‌کنند باید احتمال هرچند ضعیف را هم بدهند که ممکن است خودشان در معرض پاسخ‌گویی به آنها قرار گیرند و آن زمان مطمئنا هیچ پاسخی برای تحقق‌نیافتن آنها در برابر مردمی که با این وعده‌ها پای صندوق‌های رأی آمده‌اند، نخواهند داشت. دولت دوازدهم باید دولتی باشد که بیشترین حمایت اجتماعی مردم و به‌ویژه جوانان را پشت سر خود داشته باشد تا بتواند از طریق گفت‌وگو با آنها از گذرگاه‌های سختی که پیش‌رو دارد، عبور کند و بالاخره چهارم، شرایط بسیار حساس اقتصادی سال‌های آینده نیازمند آن است که بیشترین میزان سرمایه سیاسی کشور پشت سر دولت دوازدهم قرار داشته باشد. در کشوری که احزاب در آن فعالیت جدی ندارند، سرمایه سیاسی، متبلور در چهره‌های شاخصی است که مردم به آنها علاقه و توجه دارند.

به چهار مورد ذکرشده می‌توان یک بُعد پنجم را هم اضافه کرد و آن، مسائل پیچیده بین‌المللی و منطقه‌ای و زمان طلایی بهره‌برداری اقتصادی از برجام است. همه می‌دانیم که بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، یک نبود قطعیت بزرگ در دنیا شکل گرفته است و از طرف دیگر، مسائل منطقه‌ای بسیار پیچیده شده است. یک اشتباه کوچک حتی کلامی در سیاست خارجی می‌تواند پیامدهای زیان‌باری برای کشور داشته باشد. ذکر این توضیح خیلی مهم است که ثبات و آرامشی که از شروع به کار دولت یازدهم در بازار ارز و در کل اقتصاد شکل گرفته، حاصل یک هماهنگی تنگاتنگ بین بخش اقتصادی و بخش سیاست خارجی بوده است. تأثیر مهارت دیپلماسی در برخورد با مسائل پیچیده موجود خیلی کم مورد توجه قرار گرفته است. البته بخش دیگر اهمیت دیپلماسی هم توانایی مذاکره در پیشبرد اهداف اقتصادی پسابرجام است. کشور ما به دولتی نیاز دارد که دارای بیشترین توان، تجربه و مهارت در دیپلماسی باشد. قدرت مذاکره و رسیدن به نتیجه در دنیایی که رقابت در دستیابی به بازارها و جلب سرمایه بسیار بالاست، از اهمیتی تعیین‌کننده برخوردار است.

مجموعه موارد ذکرشده ما را به این جمع‌بندی می‌رساند که اولا چند سال باقی‌مانده تا سال ۱۴۰۰ دارای اهمیتی تعیین‌کننده برای آینده کشور است و ثانیا، در این دوران کشور نیازمند دولتی متخصص، برخوردار از پشتوانه اجتماعی متنوع، دارای سرمایه سیاسی حداکثری و نیز بهره‌مند از مهارت کافی دیپلماسی است.

دستاوردهای کشور در زمینه‌های مختلف مانند برجام، ثبات اقتصاد کلان، طرح سلامت و رسیدن به درآمد معادل بیش از یک میلیون بشکه نفت صادرات، همگی بسیار ارزشمند اما ناپایدار است. اعمال یک مدیریت ناپخته و جایگزین‌کردن همه اینها با پمپاژ پول، با سرعتی باورنکردنی اقتصاد ایران را ونزوئلایی خواهد کرد.

در انتخابات حاضر ما با یک تناقض بزرگ مواجه هستیم؛ از یک طرف بیش از هر زمان دیگر، شعارهای اقتصادی (البته به بیان دقیق‌تر رفاهی و نه اقتصادی) همراه با ذکر کمیات بیان می‌شود؛ مانند تعداد شغل، رشد اقتصادی، میزان یارانه پرداختی به گروه‌های مختلف مردم، هدف‌گذاری حتی برای تعداد ازدواج مثلا یک میلیون ازدواج در سال، فارغ از ویژگی‌های جمعیتی و سنی زنان و مردان در سن ازدواج و... خب این البته یک حرکت روبه‌جلو است؛ اما از آنجا که موارد مطرح‌شده تنها اهداف است و درباره نحوه تحقق آنها صحبت نمی‌شود، جای تردید به وجود می‌آورد. به‌ویژه که این رویکرد جدای از آنکه مطلوب هست یا نه، اساسا کپی‌برداری از شرایطی است که با آن انطباق ندارد؛ یعنی با زمانی که درآمدهای نفتی به‌طور متوسط، سالانه بیش از صدمیلیارد دلار بود. حال آنکه درحال‌حاضر و در افق پیش‌بینی‌پذیر پیشی‌گرفتن از ۴۵ میلیارد دلار در سال با تردید مواجه است. جدای از آنکه جمعیت کشور نیز نسبت به حدود ۱۰ سال پیش، بیش از ۱۰ میلیون نفر اضافه شده است. بنابراین در شرایطی که مهم‌ترین مسئله کشور منابع است، افزایش مصارف بدون مشخص‌کردن منابع آن، نتیجه دیگری جز دامن‌زدن به تورم ندارد. البته این رویکردهای انبساطی تورم‌های بالا ایجاد می‌کند و نه تورم متوسط؛ یعنی با توجه به شکل‌گیری انتظارات حول محور تورم زیر ۱۰ درصد، ایجاد یک تغییر روبه‌بالا در تورم، انتظارات تورمی را فعال می‌کند که در آن صورت، عواقب وخیمی به‌ویژه برای قشر کم‌درآمد خواهد داشت. البته می‌دانیم اصلی‌ترین فشار تورم بر قشر فقیر و کم‌درآمد وارد می‌شود؛ مثلا یک تورم ۷۰درصدی نه‌تنها در یک‌سال قدرت خرید مثلا یارانه ۱۵۰ هزار تومان را به همان ۴۵ هزار تومان قبلی می‌رساند، بلکه ارزش بقیه درآمدهای مردم را هم به کمتر از یک‌سوم تقلیل می‌دهد.

ادامه از صفحه ۴

فروپاشی نهایی اقتصاد رانتی

چندی پیش رئیس کل بانک مرکزی هشدار داد که دیگر اقتصاد توان بیشتری ندارد.

این حجم نقدینگی که دولت احمدی‌نژاد به جامعه تزریق کرد، نشان می‌دهد اقتصاد، بیش از این کشش ندارد. الان هم شاید برخی از بانک‌ها در آستانه ورشکستگی باشند، زیرا اعلام ورشکستگی یک بانک مساوی است با تخریب نظام اقتصادی. آقای جهانگیری هم گفتند درباره بانک‌ها به‌دلیل حساسیت ملی صحبت نمی‌کنم.

در نتیجه اگر در بازار سیاسی شفافیت نداشته باشد، هزینه مبادله پایین نباشد، داوری مستقل هم در کنارش نداشته باشید، باید منتظر این اتفاق‌ها باشید که افراد کارشان را با دروغ پیش ببرند و وقتی هم نشد، مهم نیست. آقای احمدی‌نژاد قول‌های زیادی داد؛ حتی آن‌قدر گستاخ شده بود که می‌گفت ما جهان را مدیریت می‌کنیم. کسی نمی‌تواند حرفی به او بزند. اگر مطبوعات حرف می‌زدند، بسته می‌شدند. کسی می‌خواست جایی صحبت کند، تریبونی نداشت. اگر کسی می‌خواست به دلایلی شکایت کند، هم راه به جایی نمی‌برد. ترامپ گفت این آقایان وارد کشور نشوند. یک قاضی معمولی گفته او را نقض کرد. دوباره حکم دادند و قاضی معمولی دیگری، باز هم این حکم را نقض کرد. قاضی مستقل یعنی اینکه طبق قانون، قانون را اجرا کند؛ اما آقای احمدی‌نژاد هرچه خواست، گفت و هر کاری خواست، کرد و به کشور خسارت زد و رفت.

زمانی که آقای احمدی‌نژاد وعده می‌داد، مردم هنوز طعم این همه تخریب را نچشیده بودند؛ ولی الان تخریب رخ داده و همه فجایع را دیده‌اند و در این وضعیت آقای رئیسی و قالیباف باز هم چنین وعده‌هایی می‌دهند. این وضعیت، نشان از آن ندارد که اوضاع بدتر از آن دوره می‌شود؟

اینها شعارهایی است که امکان تحققش نیست؛ ولی شک نکنید با انتخاب این دو نفر اوضاع اقتصاد ایران بدتر از زمان احمدی‌نژاد خواهد بود؛ چون اینها می‌توانند راحت‌تر و بی‌واهمه‌تر تصمیمات غلط بگیرند و این توان برای احمدی‌نژاد نبود. اینها به اندازه کافی این توانمندی را دارند و واقعا هم تیر خلاصی به اقتصاد ایران خواهند زد.

اخبار کوتاه

حکم یک قاضی در مشهد، آغازگر مشکلات «کاسپین»

ایلنا: مؤسسه اعتباری کاسپین مجوز خود را در سال ۱۳۹۴ از بانک مرکزی دریافت کرد و در فهرست مؤسسات اعتباری مجاز و دارای مجوز بانک مرکزی قرار گرفت. بر اساس مجوز صادره، مقرر شد این مؤسسه اعتباری، دارایی‌ها و بدهی‌های قابل تجمیع شرکت‌های تعاونی اعتبار «فرشتگان»، «الزهراء مشهد»، «حسنات اصفهان»، «دامداران و کشاورزان کرمانشاه»، «بدرتوس مشهد»، «پیوند»، «امید جلین گرگان» و «عام کشاورزان مازندران» را که تا آن زمان تحت عنوان «آرمان ایرانیان» فعالیت می‌کردند، طبق روش مشخص به حساب‌های خود انتقال دهد.در نتیجه، همه هشت تعاونی ذکرشده تعهد کردند به محض صدور مجوز مؤسسه جدید، نسبت به انحلال اقدام کنند. سپس مؤسسه کاسپین با حداقل سرمایه مدنظر بانک مرکزی، مجوز فعالیت خود را از بانک مرکزی دریافت کرد.پس از صدور مجوز، اقدام بعدی این بود که تک‌تک تعاونی‌های منحل‌شده، فهرستی از دارایی‌های خود را به مؤسسه کاسپین ارائه دهند و بعد از ارزیابی دارایی‌ها و انتقال آنها، برای انتقال سپرده‌هایی که از مردم جمع کرده بودند، اقدام کنند.اما متأسفانه در زمانی که هنوز دارایی‌ها و سپرده‌های تعاونی‌های هشت‌گانه غیرمجاز به مؤسسه اعتباری کاسپین منتقل نشده بود، دو دستور قضائی بدون اطلاع بانک مرکزی از سوی یکی از قضات در مشهد صادر شد که بر اساس دستورات قضائی یادشده، تعاونی‌ها مکلف شدند تمام تابلوهای خود را با تابلوهای مؤسسه کاسپین تعویض کنند.سپس حکم قضائی دیگری از مشهد صادر شد که بر اساس آن، دفترچه‌های سپرده‌گذاران تعاونی‌هایی که باید منحل می‌شدند، با دفترچه‌های مؤسسه کاسپین تعویض شود؛ درحالی‌که هنوز دارایی‌ها و سپرده‌های نزد این تعاونی‌های هشت‌گانه، به مؤسسه کاسپین منتقل نشده بود. این موارد، تعهداتی را بدون هماهنگی با بانک مرکزی برای مؤسسه اعتباری کاسپین ایجاد کرد.این در حالی بود که چندی بعد، دادستان تهران از بدهی تعاونی فرشتگان به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های مؤسسه کاسپین و پیگیری‌های قضائی در رابطه با مدیران این تعاونی خبر داد و اعلام کرد فرشتگان در سال‌های اخیر حدود هشت هزار میلیارد تومان منابع جذب کرده و اکنون تا چهار هزار میلیارد تومان بدهی دارد.

امروز چهار هواپیمای ATR به ایران‌ایر تحویل داده می‌شود

ایلنا: قائم‌مقام وزیر راه‌وشهرسازی از ورود چهار فروند هواپیمای فرانسوی- ایتالیایی ATR به ناوگان ایران‌ایر در صبح امروز خبر داد و گفت: ۱۶ فروند هواپیمای ATR دیگر تا دو سال آینده به ناوگان ایران‌ایر اضافه می‌شوند.

اصغر فخریه‌کاشان با بیان اینکه صبح امروز چهار فروند هواپیمایی ایتالیایی - فرانسوی ATR در باند فرودگاه مهرآباد می‌نشیند، اظهار کرد: پس از امضای برجام، قرارداد با سه شرکت هواپیماسازی بویینگ، ایرباس و ATR منعقد شد. تاکنون سه فروند هواپیمای ایرباس وارد کشور شده است و امروز هم چهار فروند هواپیمای کوتاه‌برد ATR وارد ناوگان ایران‌ایر می‌شود.

شایعه پرداخت سود سهام عدالت قبل از انتخابات

ایلنا: جعفر سبحانی، مشاور رئیس سازمان خصوصی‌سازی گفت: انتشار خبر پرداخت سود سهام عدالت سه روز مانده به انتخابات ریاست‌جمهوری، به منظور تخریب دولت است؛ زیرا می‌خواهند با امیددادن واهی به مردم، در روز پنج‌شنبه اعلام کنند که دولت در واریز سود سهام عدالت کوتاهی کرده است.

چرا مشاوران نفتی رئیسی پاسخ کدهای زنگنه را نمی‌دهند؟

چند روز پیش، وزیر نفت در واکنش به سخنان ابراهیم رئیسی درباره پرونده کرسنت، گفت: این نامزد انتخاباتی از جلیلی، مشاور ارشد خود، بخواهد تا توضیح دهد در جلسه آذر ۱۳۹۱ شورای عالی امنیت ملی درباره پرونده کرسنت چه گذشت، چه حرف‌هایی ردوبدل و چه تصمیم‌هایی اتخاذ شد. همین‌طور از جلیلی بخواهند درباره نامه‌ای که در ۲۵ اسفند سال ۸۸ به رئیس‌جمهوری وقت درباره کرسنت نوشته است و پاسخ رئیس دولت دهم، توضیح دهد تا شاید این نامزد انتخاباتی در بیان سخن کمی محتاط‌تر عمل کند.بنابراین بیژن زنگنه، صرفا کلی‌گویی نکرده است؛ دو کد کاملا مشخص داده که دسترسی به این کدها برای سعید جلیلی کار دشواری نیست؛ اما چهار روز از آن سخن زنگنه سپری شده و هنوز خبری از پاسخ نیست. دلیلش تا حدی روشن است؛ آنها پاسخی ندارند. منافع ملی اجازه انتشار برخی محتویات جلسات شورای عالی امنیت ملی را نمی‌دهد و منتقدان دولت، چون می‌دانند که دست‌ها برای افشاگری بسته است، به خودشان اجازه می‌دهند هرگونه خواستند پاسخ دهند. دو کد زنگنه نشان می‌دهد اتفاقا اگر پای استدلال به میان بیاید، دست مدعیان از همیشه خالی‌تر است؛ به همین دلیل هم ترجیح می‌دهند از کنار این سخن صریح زنگنه عبور کنند. همان‌طور که مشاور دیگر رئیسی، میرکاظمی، هم درباره سخنان صریح چند روز پیش عاصمی‌پور درباره سوآپ نفت، هیچ پاسخی نداشت و او هم سکوت کرده است.